

نویسنده: م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadrakumar» .

منبع و تاریخ نشر: نیوزکلک «2022-01-04» .

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

پیامدهای از قبل پیش بینی نشده و ناخواسته از افغانستان

Blowback from Afghanistan

این بخش «سی و هشتم» از مجموعه، «تأملاتی در مورد رویدادهای افغانستان» درباره بی میلی پاکستان برای به رسمیت شناختن دولت طالبان بحث می کند .



حصار کشی و یا گذاشتن سیم خاردار در امتداد خط دیورند که پاکستان و افغانستان را جدا می کند

گزارش های دوره اخیر حاکی از تنش بین نیروهای طالبان و ارتش پاکستان است که آنها در مرز مستقر شده اند. در 22 دسامبر، **عنایت الله خوارزمی**، سخنگوی وزارت دفاع افغانستان فاش کرد که نیروهای طالبان ارتش پاکستان را از ایجاد حصار مرزی "غیرقانونی" در امتداد ولایت ننگرهار در شرق این کشور بازداشتند. این مانع گذاشتن سیم خاردار شده اند. ویدئویی که در رسانه های اجتماعی منتشر شد نشان می دهد که سربازان طالبان قرقره هایی یا پایه های از سیم خاردار را به دست آورده اند و یکی از مقامات ارتش طالبان به سربازان پاکستانی مستقر در پست های امنیتی هشدار داد که سعی نکنند مرز را حصار بکشند. دو مقام طالبان به رویترز گفتند که طالبان و ارتش پاکستان بر سر حادثه یا منازعه "مرزی" رو در رو" قرار گرفتند و اوضاع "متشنج" بود. در پی این رویداد، در 22 دسامبر نیز از سمت مرز پاکستان در ولایت کنر در شمال این کشور شلیک خمپاره ای برون مرزی صورت گرفت . عجیب است که این حوادث بلافاصله پس از نشست وزرای OIC (سازمان کشورهای اسلامی) در اسلام آباد در 19 دسامبر رخ داد. در حالی که نشست وزرای OIC یک رویداد بزرگ برای دیپلماسی پاکستان بود، اما برای طالبان اهمیت چندانی نداشت. در مورد به رسمیت شناختن بین المللی برای دولت طالبان نیز پیشرفتی حاصل نشد. به گفته

تحلیلیگران پاکستانی، امیر خان متقی، وزیر امور خارجه طالبان که در اسلام آباد حاضر شد، ویاکه خواست روی کمره قرار گیرد در حالی که میزبانان هنگام گرفتن تصویر خود را جلو وامیرخان متقی را به صف عقب کشا ندند .

این کنفرانس در واقع به کاهش انزوای ایالات متحده کمک کرد تا جایی که دولت **جو بایدن** اکنون می تواند مدعی رویکرد هماهنگ در قبال وضعیت افغانستان با کشورهای مسلمان با نفوذ باشد. **آنتونی بلینکن**، وزیر امور خارجه، از پاکستان قدردانی کرد .

از نظر سیاسی، طالبان هرگز مشروعیت خط دیورند به طول 2611 کیلومتر را که میراث حکومت استعماری است، نپذیرفته است. اما این یک پروژه معتبر ارتش پاکستان است که با هزینه های گزاف در یک دوره چهار ساله با هدف جلوگیری از حملات فرامرزی به پست های پاکستان انجام شده است .

این حصار شامل دو مجموعه از نرده های زنجیره ای است که توسط یک فضای دو متری پر از سیم پیچ های کنسرتینا از هم جدا شده اند. حصار دوتا بی حدود چهار متر ارتفاع دارد و نظامیان برای بررسی هرگونه حرکت دوربین های نظارتی نصب کرده اند. هزینه این پروژه در حدود 600 میلیون دلار برآورد شده است .

نکته اصلی این است که این حصار نه تنها به خط دیورند جلوه فیزیکی داد، بلکه انتظار می رود که مرز با افغانستان را در کمال زمان مشروعیت بخشد .

طالبان با توجه به وابستگی حیاتی خود به حمایت ارتش پاکستان برای قدرت در کابل، سکوت اختیار کردند اما احتمالاً اهداف پاکستان در حصار کشیدن خط دیورند را درک کردند. طالبان ظرف 100 روز پس از به قدرت رسیدن در کابل حصار را هتک حرمت کردند .

خط دیورند با 235 نقطه عبور مشخص شده است. طالبان احتمالاً امیدوارند که مرزی باز برای قبایل پشتون ساکن منطقه داشته باشند. اما GHQ (مرکز عمومی ارتش پاکستان) درراولپندی هرگز با آن موافقت نخواهد کرد. اساساً، به نظر می رسد که طالبان ناراضی شدیدی خود را نشان می دهد، زیرا امیدهای زیادی که ارتش پاکستان به آنها داده اند از بین رفته است. بازی بوکس بر فراز حصار در خط دیورند چیزی شبیه به « جنگ سگ ها زیر فرش» است، تا استعاره معروف چرچیل در مورد سیاست شوروی را به عاریت بگیریم .

صد روز می گذرد اما انتظار رات طالبان برای کمک از پاکستان برآورده نشده است. پاکستان ممکن است محدودیت هایی در تامین مالی اقتصاد افغانستان داشته باشد. اما ناخوشایند ترین برش، عدم تمایل پاکستان به به رسمیت شناختن دولت طالبان بوده است .

بدیهی است که جامعه بین المللی وقت خود را صرف شناسایی ساختار کابل می کند، اگرچه کمک های بشردوستانه شروع شده است. کشورهای منطقه کم و بیش شرایط تعامل خود با دولت طالبان را (بدون اینکه آن را به رسمیت بشناسند) مشخص کرده اند .

در 30 دسامبر، چین دومین کشور پس از ایران بود که تعامل با مقامات طالبان در کابل را رسمی کرد. **لیو جین سونگ**، مدیر کل اداره امور آسیایی وزارت امور خارجه چین، میزبان اولین نشست دو سازوکار در سطح کاری در زمینه کمک های بشردوستانه و بازسازی اقتصادی با **ناکر جلالی**، معاون وزارت امور خارجه دولت طالبان و آقای مدیر کل اداره سوم سیاسی چین بود .

سخنگوی وزارت خارجه **چین** گفت که این نشست بین وزارتی «در فضایی دوستانه و عملگرایانه برگزار شد. دو طرف عمدتاً در مورد وضعیت بشردوستانه کنونی و بازسازی اقتصادی تبادل نظر کردند و بر تقویت تبادل تجربیات حاکمیت ایالتی، تقویت ارتباطات و هماهنگی بین ادارات ذیصلاح و پیشبرد همکاری BRI «یک جاده و کمربند» توافق کردند .

چین در ظرفیت سازی و آموزش پرسنل کمک کرده است در حالی که دولت طالبان "ضمانت امنیتی برای نهادها و پرسنل چینی در افغانستان را تمدید کرده است و امیدوار است که شاهد سرمایه گذاری چینی بیشتر باشد ."

به همین ترتیب، **سرگئی لاوروف**، وزیر امور خارجه روسیه هفته گذشته گفت که در حالی که به رسمیت شناختن رسمی مقامات طالبان "فعلاً زودهنگام" است، مسکو در حال حاضر با کابل تجارت می کند. **ولادیمیر پوتین**، رئیس جمهور روسیه گفته است که حکومت طالبان یک «واقعیت» قانع کننده است، اگرچه باید منتظر ماند. این تقریباً مشابه رویکرد ایران است .

می توان تصور کرد که برای روسیه، چین و ایران مناسب است که سیاست های خود را با واقعیت های موجود در افغانستان تنظیم کنند، در حالی که آمریکایی ها دور از دسترس هستند. چین بحث پروژه های BRI (ابتکار کمربند و جاده) و فرصت های سرمایه گذاری را آغاز کرده است .

مخمسه پاکستان در اینجا نهفته است. در حالی که پاکستان شریف جدید در کابل است، این به معنای مسئولیت اخلاقی در قبال طالبان است و به رسمیت شناختن دولت در کابل باید اولین گام در این مسیر باشد .

طالبان زمانی تجربه تلخی با پرویز مشرف داشتند که به قیمت آن به دنبال روابط جدید با ایالات متحده بود. و واشنگتن اکنون اصرار دارد که تا زمانی که رهبران بلند پای طالبان مانند حقانی که تحت تحریم هستند در کابل حضور داشته باشند، وجوه مسدود شده را مسدود نخواهد کرد .

چه چیزی که پاکستان امیدوار است با به رسمیت نشناختن دولت طالبان ثابت کند - که طالبان مخلوق آن نیست. که هیچ ارتباطی با تسلط طالبان در ماه اوت نداشت. که از ایدئولوژی طالبان متنفر است. که واقعاً می‌خواهد افغانستان حکومت نماینده داشته باشد؟ هیچ یک از این مکان‌ها پرواز نخواهد کرد.

افکار جهانی می‌دانند که چگونه پاکستان قدرت را به همسایه ضعیف‌تر، آسیب پذیر و شکننده‌اش فرافکنی کرد و آن را - شاید به طور جبران‌ناپذیر - با بهره‌گیری از رهبری شکسته و شرایط جنگ داخلی در افغانستان شکسته است.

همه چیز با حمله ایالات متحده در سال 2001 یا مداخله شوروی در 1980 آغاز نشد، بلکه به دوران نهمین نخست وزیر پاکستان ذوالفقار علی بوتو برمی‌گردد که از کادرهای سازمان جوانان مسلمان مبارز در دانشگاه کابل در سال 1974 دعوت کرد تا به پاکستان مهاجرت کنند تا زمینه یک شورش علیه دولت وقت افغانستان فراهم کنند.

مشکل امروز این است که نخبگان پاکستانی در ولع یا در تمایل و مرام خود برای پذیرفته شدن به عنوان بخشی از نظم بین‌المللی لیبرال از اینکه به عنوان مربیان طالبان دیده شوند شرم دارند.

----- **با تقدیم احترامات «2022-01-06»**